



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۵

تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۶

تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۱۷

## تضمینات شروط غیر منصفانه در قراردادهای الحاقی؛

### با مطالعه در نظام حقوقی ایران و انگلستان

علی اکبر گروسی<sup>۱</sup>، محمد رضا پیرهادی<sup>۲\*</sup>

#### چکیده

قرارداد الحاقی یکی از انواع قراردادهاست که یکی از طرفین آن با تکیه بر موقعیت برتر خویش هر نوع شرطی را لازم بداند، در قرارداد می‌گنجانند. در این نوع قراردادها، طرف قوی یک ایجاب از پیش ساخته کامل و غیر قابل تغییر را انشاء نموده و طرف مقابل ناچار از پذیرش این نظم از پیش تعیین شده، بدون هیچ گونه حقی در تغییر یا تعدیل مفاد قرارداد است. این نابرابری معنادار، طرف ضعیف را با چالش جدی مواجه می‌کند و با انصاف و روح عدالت ناسازگار است. اگر چه اصولاً انعقاد قرارداد الحاقی مبتنی بر اصل حاکمیت اراده و رهاورد غیرقابل انکارش یعنی "آزادی قراردادی" است اما امروزه اصل مذکور در نظام حقوقی ایران و انگلستان مانند بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا، رویه سابق خود را از دست داده به نحوی که پیش بینی و اعمال شروط غیرمنصفانه در قراردادهای الحاقی را با محدودیت هایی مواجه نموده است. مقاله پژوهشی حاضر با روش تحلیلی و توصیفی، با مطالعه تطبیقی تضمینات مقابله با شروط غیر منصفانه در قراردادهای الحاقی در ایران و انگلستان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق مؤید راهکارهایی نظیر اعلام بی اعتباری و عدم پذیرش، حذف، تعدیل شروط و در مواردی بطلان قرارداد به مثابه تضمینات مقابله با غیر منصفانگی قرارداد الحاقی در دو نظام حقوقی مورد بحث است.

واژگان کلیدی: قراردادهای الحاقی، شروط غیرمنصفانه، حقوق ایران، حقوق انگلیس، ضمانت اجراها.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: [r\\_pirhadi@yahoo.com](mailto:r_pirhadi@yahoo.com)

## مقدمه

به توافق میان دو یا چند نفر در خصوص چیزی که متضمن نفع حقوقی باشد، قرارداد<sup>۱</sup> گفته می شود که از نقطه نظر موضوعی می تواند به شناسایی، ایجاد، تغییر، اسقاط تعهد و یا انتقال حقی مربوط باشد (صالحی راد، ۱۳۸۷: ۳۹). در ایران علی رغم تعریف قانون مدنی از عقد<sup>۲</sup> و صرف نظر از ایراداتی که بدان وارد شده در یک تعریف کلی "عقد توافق دو انشاء متقابل است که به منظور ایجاد اثر حقوقی انجام می شود" (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۹). در حقوق انگلیس، قرارداد توافق میان دو یا چند نفر است که از نظر قانون الزام آور بوده و آثار حقوقی بر آن حاکم است و به تبع حقوق و تعهدات ناشی از آن، قابلیت پیگیری در محاکم را دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۸). در رویکرد غیر تخصصی، عقد و قرارداد به یک معناست<sup>۳</sup> اما در اصطلاح حقوقی منظور از عقد بیشتر عقود معین<sup>۴</sup> بوده در حالی که قرارداد شامل تمام انواع عقود اعم از معین و غیر معین می شود (منافی، ۱۳۹۵: ۹). در این میان قرارداد الحاقی یکی از انواع قراردادهاست که یکی از طرفین آن با تکیه بر موقعیت برتر خویش هر نوع شرطی را لازم بدانند، در قرارداد می گنجاند (عراقی، ۱۳۸۷: ۴۷). به عبارتی قرارداد الحاقی قراردادی نمونه و چاپی بوده که معمولاً توسط عرضه کننده مقتدر منحصر یا شبه منحصر نسبت به کالاها یا خدمات خویش ارائه شده و طرف دیگر یا آن قرارداد را با تمام ویژگی ها و شروط قبول می نماید و یا از آن صرف نظر می کند (صفایی، ۱۳۸۴: ۴۶). در بیشتر موارد طرف دوم قراردادهای الحاقی بی سواد یا کم سواد و یا فاقد تخصص حقوقی لازم جهت تشخیص مفاهیم و تبعات شروط قراردادی بوده و عموماً وقت و حوصله لازم برای مطالعه آن را نداشته و صرفاً به امضای آن اکتفا می کنند. ارائه کنندگان قراردادهای الحاقی در صدد ایجاد حقوق و امتیازات بیشتر و سلب مسئولیت از خود و تحمیل آنها به طرف دیگر می باشند<sup>۵</sup> البته ناگفته نماند اقتضای تجارت رقابتی نیز تلاش جهت کسب منافع بیشتر و به هم خوردن تعادل قراردادی است (منافی، پیشین، ص ۱۳). این نابرابری معنادار ناشی از قراردادهای الحاقی و شروط تحمیلی غیر منصفانه مندرج در آن، به توانایی و تخصص یکی از طرفین قرارداد و سوء استفاده وی منتهی شده (کریمی، ۱۳۸۱: ۷۹) و طرف ضعیف را با چالش جدی مواجه می کند و با انصاف و روح عدالت ناسازگار است.<sup>۶</sup> به هر وجه انعقاد قراردادهای الحاقی، رهاورد افزایش تولید و مصرف انبوه محصولات در قرن ۲۰ است (علوی قزوینی، وکیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۳). با محدودیت هایی که بر اصل آزادی قراردادی با اقبال تقریباً جهانی اش (Marsh, 1996:298) در پی تقویت اندیشه مداخله دولت در قراردادهای خصوصی با مبانی اجتماعی و ضرورت حفظ امنیت جمعی، در پرتو محورهای مفاهیم نظم عمومی، اخلاق حسنه و قانون آمره وارد شد (وایت کر، ۱۳۸۵: ۲۳)، تولید کنندگان کالاها و ارائه کنندگان خدمات، به تدریج یک تازی های قراردادی سابق خود را از دست دادند و خود را با نظامی از ضمانت اجراها مواجه دیدند. این پژوهش با

<sup>۱</sup> Contract

<sup>۲</sup> بر اساس ماده ۱۸۳ قانون مدنی، عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد به امری نمایند و مورد قبول آنها قرار گیرد.

<sup>۳</sup> قرارداد در عرف عموماً به پیمان هایی اطلاق می شود که طرفین با داشتن شرایط یکسان و با ارائه پیشنهادهای متفاوت اولیه منعقد می کنند.

<sup>۴</sup> آن دسته از عقود که در قانون مدنی شرایط و چگونگی آنها ذکر شده است مثل عقد بیع، عقد اجاره، عقد رهن، عقد وکالت، عقد مضاربه و غیره

<sup>۵</sup> اگرچه سیاست های اقتصادی و اجتماعی در ایجاد و گسترش قراردادهای الحاقی مؤثر است اما محتوی آنها به نظر و انصاف ارائه کنندگانش وابسته است.

<sup>۶</sup> عدالت سیر حرکت قطعی دانش حقوق است و در واقع تمام پدیده های حقوقی با آن ارزیابی می شود.

روش توصیفی- تحلیلی، به دنبال بررسی ضمانت اجراهای مقابله با شروط غیر منصفانه در قراردادهای الحاقی در نظام حقوقی انگلستان و ایران به شرح مباحث آتی است.

## ۱- مبانی و پیشینه

بنیادی ترین هدف از تشکیل هر قراردادی، ضمن اجرای مفاد آن، پایبندی به آثار قرارداد است جعفری لنگرودی، (۱۳۹۲:۲۱۳). آزادی قراردادی، نتیجه اصل حاکمیت اراده است که در رویه قضایی کامن لا به وضوح قابل درک است. توسل به راهکارهای مندرج در قواعد عمومی قراردادها من جمله رضایت، حسن نیت، ممنوعیت سوء استفاده و عدم مخالفت با نظم عمومی<sup>۱</sup> از مستندات انعکاس یافته در آراء محاکم در راستای اصل مذکور می باشد. عدالت معاوضی با هدف تحقق عدالت در قراردادهای خصوصی بر مبنای اصل حاکمیت اراده، دارای دو عنصر منصفانه بودن مفاد قرارداد و ممنوعیت مداخله دولت در تعدیل یا تغییر مفاد توافقات است. از تبعات غیرقابل انکار اصل ثبات و لزوم قراردادها، اجرای کامل و تمام عدالت معاوضی است. عدالت معاوضی اگر چه مفهومی مقبول و برخوردار از مبانی مستحکمی است اما آن زمان که یکی از طرفین از نظر اقتصادی به دلیل برخورداری از عواملی از قبیل انحصار، غیر متعادل شود، اعمال آن در خور تامل است چرا که اصل ثبات قراردادهای خصوصی و ضرورت حمایت از آن با اصل حمایت از طرف آسیب دیده در تقابل قرار می گیرند (راعی، مولاییان، ۱۳۹۳:۲). ارسطو از عدالت معاوضی به تعادل عوضین در قراردادها تعبیر نموده است ارسطو، (۱۳۹۲: ۱۱۴). در فلسفه ارسطویی عدالت معادله ریاضی بین افراد صرف نظر از اینکه طرفین دارای چه شخصیت و چه جایگاه اجتماعی بوده یا چه هدفی در معامله را قصد نموده اند می باشد (Gordley 2006: 38) بدین اساس چنانچه شرطی غیر منصفانه در قرارداد تحمیل شود، با تعدیل قرارداد باید نابرابری و عدم تعادل مرتفع شود (Gordley 2006: 6) در قرون وسطا رعایت انصاف و برابری عوضین ضروری تلقی شده است (Atiyah, 1988:6) و عمده ترین ملاک سنجش عدالت در قراردادها، رجوع به عرف بوده است. در قرن هجدهم متعاقب طرح تئوری تکلیف متعاقدین به احتیاط در حفاظت از منافع قراردادی خویش، برداشت جدید عدالت معاوضی با این دلیل که چون طرفین مستقل اتخاذ تصمیم می کنند، پس مفاد توافق آنان باید عادلانه تلقی گردد، مطرح شد (Gordley, 1985: 825). اندکی بعد در قرن نوزدهم با تحدید وظیفه دولت به تامین و تضمین شرایط برابر در صحنه رقابت در بازار، نظریه منع مداخله دولت در قراردادهای خصوصی قوت پیدا کرد (قنواتی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). بارقه های رویکردهای اخیر الذکر را می توان در نظریات کانت جستجو نمود. به باور وی چنانچه شخصی برای دیگری تصمیم بگیرد، ممکن است عدالت رعایت نشود و تجاوز رخ دهد اما آن زمان که کسی در مورد خودش تصمیم می گیرد، نگرانی از اینکه عدالت از بین برود، منتفی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۲۸). هابز که تمایل به عدالت معاوضی را در اندیشه های خود مخفی نکرده و بیش از دیگران آن را بروز داده است، عدالت قراردادی را منوط به اجرای کامل مفاد آن از سوی طرفین دانسته و اظهار داشته عدالت دقیق عبارت است از وفای به عهد و پیمان در صورتی که دیگران هم به قول و پیمان خود وفا کرده باشند (هابز، ۱۳۷۹: ۱۰۶). در رویکرد عدالت معاوضی اولاً مفاد هر نوع توافقی به جهت اراده متعاقدین و احترام به آزادی فردی، عادلانه است هر چند عرفاً چنین نباشد.

<sup>۱</sup> عدم اجرای قرارداد غیر منصفانه با اتکاء بر مخالفت با نظم عمومی به یک گفتمان و تفسیر جهانی حقوقی مبدل شده است.

تأمین آزادی عهد بستن و وجود سلامت اراده طرفین به خودی خود منجر به رعایت عدالت می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۸). چرا که صرف توافق حاکی از این است که متعاقدین با مدیریت عقلایی منافع خویش تن به قرارداد داده اند. ثانیاً از آنجا که دولت سهمی در توزیع ثروت و سنجش لیاقت ها ندارد از مداخله در مفاد قراردادهای خصوصی ممنوع است و وظیفه دولت محدود به توزیع عادلانه فرصت های اقتصادی و نظارت بر روابط قراردادی افراد جامعه است (واعظی، ۱۳۷۷: ۲۹) و نتیجه اتوماتیک آن ممنوعیت حق مداخله دولت در مفاد قراردادهای خصوصی است اما پذیرش مطلق و بی قید و شرط این رویه، با سوء استفاده هایی علیه طرف ضعیف قرارداد همراه بود. از ابتدای قرن بیستم، سوءاستفاده از آزادی قراردادی و پیش بینی و درج شروط غیر منصفانه از رهگذر مفاهیمی نظیر عدالت قراردادی، حمایت از طرف ضعیف و منافع و مصالح جامعه با محدودیت هایی مواجه شد و در چند ده سال اخیر صدمه به نظم عمومی نیز مبنای اعمال محدودیت بر گستره اصل آزادی قراردادی بوده است و تلاش سیستم های حقوقی حرکت به سوی سازواری آزادی فردی با مصالح و منافع اجتماعی یا عموم افراد است (ساردویی نسب و کاظم پور، پیشین: ۱۰-۸). اندیشه نظم عمومی حمایتی با رویکرد حمایت از طرف ضعیف قرارداد و ممانعت از ظلم قراردادی مطرح شد (کرمی، پیشین: ۹). ممانعت از تعدی طرف قوی قرارداد بر طرف ضعیف در کنترل قضایی قراردادهای با شروط غیر منصفانه از مفهوم نظم عمومی استمداد شده است ( Wolcher, 1992:237). مبنای نظم عمومی حمایتی بر این اندیشه استوار است که قرارداد به ویژه در مواردی که سطح اقتصادی طرفین قرارداد مساوی نبوده یا زمانی که احدی از آنها دارای امتیاز انحصار کالا یا خدماتی را داراست، ممکن است منعقد شود با این وجود الزامات، عدالت و انصاف بر این است که دادگاه نسبت به آن بی توجه نباشد و بتواند نسبت به تعدیل و تغییر قرارداد یا شروط قراردادی غیر منصفانه و خلاف وجدان دست زند اما اگر طرفین یک قرارداد علی رغم اطلاع از قیمت عادلانه در بازار، به هر دلیل و علتی، به معامله ای رضایت دهند که عوضین و در حالت کلی تعهدات قراردادی طرفین، نامتعادل و نامتوازن باشد، چنین قراردادی خدشه بردار نیست (داکسبری، ۱۳۷۷: ۵۶). در حقوق اسلام، قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع قواعد، صرف نظر از این که در آیات متعددی به صورت عام و کلی به قسط و عدل اشاره نموده است به صورت اختصاصی نیز در سوره مطففین، الرحمن، هود و شعرا طرفین قراردادهای خصوصی را به عدالت رهنمون شده است (شمالی، صفایی، ۱۳۹۱: ۵). از منظر حقوقی اگرچه تئوری های مدرن بر پایه قرار داد که رکن رکین آن توافق است، استوار می باشد، اما نباید از نظر دور داشت که عدالت نیز ناشی از تراضی و توافق متعاقدین است (اصغری، ۱۳۸۹: ۲۳). در حقوق ایران صرف نظر از مبانی فقهی که بدان اشاره شد، مقابله با غیر منصفانگی قراردادی دیرینه ای وسیع در دکترین دارد. به هر وجه اگر چه اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی از مؤلفه های قرارداد منصفانه محسوب می گردد اما همواره دارای اثر منصفانگی نیست و بر این اساس به تدریج گستره شروط غیر منصفانه قراردادی<sup>۱</sup> با مفاهیمی نظیر انصاف، عدالت، نظم عمومی و مقرر قانونی با محدودیت هایی مواجه شد.

## ۲. تضمینات درج شروط غیر منصفانه قراردادی در حقوق انگلستان

<sup>۱</sup> . برای اطلاعات بیشتر ر. ک به (شمال و صفایی، ۱۳۹۶: ۶۵-۸۸).

در سیستم کامن لا، رویه قضایی منبع اصلی حقوق بوده و قوانین نانوشته ای که از عرف نشات می گیرد، تعیین کننده موضوعات حقوقی می باشد. در این بین اصل لزوم و عدم تزلزل قراردادها از قرن هفدهم در حقوق انگلستان بدین شکل انعکاس یافت که قرارداد بجز در موارد اکراه، تدلیس، اشتباه و نفوذ ناروا، فقدان آگاهی، عدم اهلیت یکی از طرفین نباید در معرض تزلزل قرار گیرد و در صورت مشاهده موارد مذکور قرارداد نسبت به طرف متضرر الزامی نخواهد داشت با این وجود و علیرغم تلاش ها و مساعی فردگرایان و آزادی خواهان و متأثر از تغییرات اجتناب ناپذیر معادلات و وقایع بازار و تحولات اقتصادی و اجتماعی سده بیستم، ممنوعیت توسعه محدودیت بر اصل آزادی قراردادی، دیگر یارای مقاومت را نیافت و به ناچار اندیشه محدودیت آزادی قراردادی پذیرفته شد تا جایی که اگر ادعای تفوق رویکرد اخیر بر اصل آزادی قراردادی مطرح شود، بی گمان مدعایی اغراق آمیز نیست (کرمی، ۱۳۹۴: ۱۰). اما این پایان ماجرا نیست چرا که قواعد کامن لا دیگر تاب و توان مقابله با قراردادهایی را که کاملاً ماهرانه و بسیار فنی و به دور از هرگونه روزنه ای برای تفسیر، تنظیم می شد، نداشت. در این برهه است که مقنن انگلیسی قوانینی البته به شکلی ناقص نظیر قانون مربوط به شروط قراردادی غیر منصفانه مصوب ۱۹۹۷، مقررات شروط غیر منصفانه قراردادهای مصرف کننده مصوب ۱۹۹۶<sup>۲</sup>، را با بهره گیری از مبانی انصاف و عدالت و نظم عمومی را به تصویب رساند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۱۹۹). مقررات اخیر الذکر ناظر به قراردادهای اشخاص حقیقی مصرف کننده یا اشخاص حقیقی و حقوقی فروشنده یا عرضه کننده است و شامل قراردادهای تجاری نمی شود و لو اینکه طرفین قرارداد کسبه جزء یا شرکت های کوچک باشند. مقررات این قانون شامل شروط مندرج در قراردادهایی است که مورد مذاکره طرفین واقع نشده است و بار اثبات انجام مذاکره بر روی آن بر عهده فروشنده یا عرضه کننده است. کمی بعد مقررات حمایت از مصرف کننده در مقابل تجارت ناعادلانه مشهور به CPR<sup>۳</sup> (مصوب سال ۲۰۰۸، با هدف ممانعت از رویکردهای تحمیلی، و تضمین صداقت و عدالت نسبت به مصرف کننده، رویه های تجاری غیر منصفانه را ممنوع کرده است. بر اساس این مقررات اداره تجارت منصفانه موظف است به تمام شکایات واصله در مورد شروط تحمیلی رسیدگی نماید (Office of fair trading, 2013,19).

## ۱-۲. اوصاف و مصادیق شروط غیر منصفانه

در نظام کامن لا قراردادهای و شروطی غیر منصفانه تلقی می شوند که منافی حسن نیت<sup>۴</sup> در قراردادها بوده و نابرابری فاحشی میان حقوق و تعهدات طرفین به زیان مصرف کننده وجود داشته باشد.<sup>۵</sup> از منظر مقایسه ای نیز بند اول ماده ۳ دستورالعمل شماره ۱۳ / ۹۳ شورای اتحادیه اروپا شرطی را غیر منصفانه تلقی کرده که موضوع مذاکره طرفین نباشد مشروط به اینکه

<sup>۱</sup> این قانون دارای ۳۲ ماده و ۴ ضمیمه است.

<sup>۲</sup> مقنن انگلیسی این مقررات را با الهام از دستورالعمل ۹۳ / ۱۳ اتحادیه اروپا به تصویب رساند. دستورالعمل مزبور کشورهای عضو را ملزم به تصویب قوانینی لازم الاجرا تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۶ جهت نیل به اهداف خود نموده است. مقررات شروط غیر منصفانه در قراردادهای مصرف کننده در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید و از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم الاجرا گردید که به منظور انطباق بیشتر در سال ۱۹۹۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت و با عنوان شروط غیر منصفانه در قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ به تصویب رسید و از ابتدای اکتبر ۱۹۹۹ لازم الاجرا شد.

<sup>۳</sup> Consumer protection from unfair trading Regulations

<sup>۴</sup> حسن نیت قصد واقعی احتراز از تحصیل هر گونه سود نامعقول و ناعادلانه از دیگری حتی با تمسک به اصول و قواعد حقوقی و عدم علم و اطلاع از واقعیت هایی که یک معامله را گزاف، یک طرفه و تحمیلی می سازد (برای مطالعه بیشتر رک به منافی، پیشین، ص ۱۰).

<sup>۵</sup> ماده ۵ مقررات شروط غیر منصفانه مصرف ۱۹۹۶

خلاف حسن نیت و موجب نابرابری فاحش در حقوق و تعهدات طرفین و علیه مصرف کننده باشد. مستند به بند دوم ماده مذکور قراردادها و شروط پیش نویس که امکان اثرگذاری محتوای از سوی مصرف کننده وجود نداشته باشد، از قراردادهایی تلقی می گردد که در مورد آنها مذاکره نشده است و همچنین صرف مورد مذاکره بودن یک شرط خاص کافی نیست تا تمام قرارداد صحیح تلقی شود بلکه روند کلی قرار داد در جریان مذاکره مورد توجه است (دستورالعمل شماره ۱۳/۹۳ شورای اتحادیه اروپا).

در یک دسته بندی کلی برخی از مصادیق شروط غیر منصفانه و گزاف عبارتند از شروط با هدف سلب یا محدود نمودن فروشنده یا عرضه کننده کالا یا خدمت در قبال خدمات جسمانی و فوت ناشی از فعل یا ترک فعل، شرط سلب یا محدودیت مسئولیت فروشنده کالا یا عرضه کننده خدمت حتی در فرض تخلف از اجرای کلی یا جزئی تعهد، قراردادی که مصرف کننده را به اجرای تعهدات متعهد کند اما تعهدات فروشنده کالا یا عرضه کننده خدمت را منوط به اراده و میل شخصی او نماید، شرط تصاحب مبلغ دریافتی توسط فروشنده در صورت فسخ قرارداد و عدم پیش بینی چنین شرط برای خریدار، شرط الزام به پرداخت خسارت گزاف و فاحش توسط خریدار در حالت عدم انجام تعهد، شرط حق فسخ یکجانبه قرارداد برای فروشنده و عدم پیش بینی چنین حقی برای خریدار یا شرط تصاحب مبالغ پرداخت شده توسط فروشنده در صورت فسخ قرارداد و در حالت عدم تحویل کالا یا ارائه خدمات، شرط حق فسخ نامحدود به فروشنده یا عرضه کننده کالا یا خدمت بدون ارسال اخطاریه قابل قبول قبلی، شرط امکان تمدید خودکار قرارداد فروشنده و بدون درخواست مصرف کننده شرط الزام قطعی مصرف کننده به قبول تعهداتی که فرصت واقعی شناخت آنها پیش از انعقاد قرارداد وجود نداشته باشد، شرطی که به فروشنده کالا یا خدمت حق تغییر یکجانبه شرایط قرارداد را بدون هیچ گونه دلیل معتبری که در قرارداد مورد شناسایی قرار گرفته باشد، اعطا می کند، شرطی که حق تغییر اوصاف و ویژگی های کیفی موضوع قرارداد را به فروشنده بدهد و کالا یا خدمتی را با کیفیتی که خود تعیین می کند، عرضه نماید، شروط تعیین قیمت کالا یا خدمات که انعقاد قرارداد قیمت آن معلوم نبوده است یا در صورت معلوم بودن قیمت در زمان انعقاد قرارداد، در وقت تحویل فروشنده و عرضه کننده حق داشته باشد که قیمت را در زمان تحویل افزایش دهد بدون اعطای حق فسخ به خریدار در صورت فاحش بودن اختلاف قیمت مورد توافق با قیمت تعیین شده توسط فروشنده، شرطی که به فروشنده یا عرضه کننده کالا یا خدمات اختیار انطباق یا عدم انطباق کالا یا خدمات ارائه شده را با شروط قراردادی اعطا می نماید یا حق انحصاری تغییر هر یک از شروط قرارداد را به فروشنده کالا یا عرضه کننده خدمت اعطا می کند. شرط محدودیت تعهدات ارائه کننده خدمات در قبال التزامات کارگزاران (شیروی، ۱۳۸۱: ۱۲).

## ۲-۲. رویه محاکم انگلیس

شروط مندرج در قرارداد الحاقی در دو گروه عمده جای می گیرد. دسته نخست شرط یا شروطی که درصدد تعیین میزان تکالیف و مسئولیت های ارائه کننده قرارداد در قبال قیمت پیشنهادی می باشد و دسته دوم شرط یا شروطی که از موضع برتری اقتصادی ارائه دهنده و آسیب پذیری و ضعف طرف دیگر، پیش بینی و در قرارداد می گنجد (همان: ۱۳). در تقسیم بندی دیگری از مفهوم غیر منصفانگی، آنچه که نابرابری وضعیت طرفین در جریان انعقاد قرارداد من جمله در قراردادهای تامین مالی که شرکت تامین کننده به دلیل نیاز شرکت تأمین شونده به سرمایه، به اجحافی شدن تمام یا بخشی از قرارداد

منجر می شود، غیر منصفانگی شکلی یا فرآیندی گویند (Rudolph, 2006, 1: l) و شروط بسیار ناعادلانه با عنوان غیر منصفانگی ماهوی بررسی می شود (Beatson, 2010: 375). در غیر منصفانگی ماهوی نتایج حاصل از بررسی محتوایی و ماهوی قرارداد، مورد ارزیابی قرار می گیرد. از جمله معیارهای قابل بررسی در این زمینه، عدم تعادل بین حقوق و تعهدات طرفین است به نحوی که وجود نفع گزاف برای یکی از طرفین از جمله مولفه های قابل اشاره در این زمینه است (بنگرید به بند ۴ ماده ۱۰۹ اصول قراردادهای اروپایی). هر چند نباید از نظر دور داشت که برابری کامل عوضین در اقتصاد بازار، نه ممکن است و نه منصفانه بلکه مقصود ایجاد برقراری تعادل نسبی می باشد (شیروی، پیشین: ۱۷). رویه دادگاه های انگلیس نسبت به شروط قراردادهای الحاقی، مبتنی بر برداشت آنان از این شروط به مثابه بهانه ای توجیه کننده برای تخلفات و برقراری امتیازات ویژه برای ارائه دهنده شروط است. بر این اساس اهتمام محاکم این کشور، تحدید گستره شرایط مزبور به ویژه در خصوص مصرف کننده است (همان: ۳). در دعوی جیمز علیه مورگان در سال ۱۹۹۳، دادگاه بدون اشاره به معیار تحمیلی بودن قرارداد، به دلیل عدم تعادل و فقدان تناسب قراردادی، حکم به تعدیل قرارداد و پرداخت قیمت واقعی مورد معامله داد (ساردویی نسب، ۱۳۹۰: ۳۹). بحث دیگری که در محاکم انگلیس دارای سابقه است رویه ای است که در خصوص قراردادهای الحاقی امضاء شده و غیر امضاء اتخاذ شده است. در وضعیت نخست، فرض دادگاهها ابتدائاً بر این بوده که قرارداد مطالعه شده و با آگاهی مورد امضا قرار گرفته است و صرف طرح ادعای عدم رویت یا عدم مطالعه شروط، با پذیرش و اقبال دادگاهها مواجه نگردید (ر.ک پرونده L, Estrangv graucob<sup>۱</sup>). این رویه سختگیرانه محاکم انگلیس در حقوق قراردادهای امضاء شده، به تدریج در آرای بعدی با تعدیلاتی مواجه شد. در حالت دوم قراردادهای امضاء نشده که طرف قرارداد تنها با اخذ و مشاهده ورقه و بدون هرگونه امضاء، بدان متعهد می گردد. در مواردی شروط پس از انعقاد قرارداد به اطلاع طرف دیگر رسیده در این وضعیت از آنجا که شروطی جزء قرارداد تلقی می شوند که قبل از امضای قرارداد، مورد توجه و توافق طرفین باشد و اطلاع از وجود برخی شروط بعد از انعقاد قرارداد، موجب می شود شروط مذکور به عنوان جزئی از قرارداد تلقی نگردد. شق بعدی در خصوص قراردادهای امضاء نشده به وضعیتی مربوط می شود که در آن اقداماتی به منظور آگاهی و توجه طرف قرارداد به شروط مندرج در آن، قبل از انعقاد به عمل نمی آید و اگر نتیجه بررسی دادگاه به این ختم شود که اقدام متعارف و منطقی به منظور جلب توجه و آگاهی طرف مقابل به عمل آمده است، آگاهی طرف قرارداد مفروض است. وسیله به کار گرفته شده جهت جلب توجه، برخورداری از فرصت مناسب جهت اتخاذ تصمیم، ایضاح شروط و استعمال عبارات ساده و قابل فهم برخی از ملاک های محاکم انگلیس در این موارد است (شیروی، پیشین، ۲۰: ۱۹). به هر وجه از جمله تدابیر لازم در مقابله با شروط غیر منصفانه توسل به تفسیر است. تفسیر از تدابیر حقوقی در جهت تعدیل قراردادها من جمله قراردادهای الحاقی محسوب می گردد که از لحاظ واژه شناسی (معین، ۱۳۸۷: ۳۳۵) و در ادبیات فقهی و حقوقی به معنای تشریح، تبیین و توضیح آمده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۴). تفسیر قرار داد که در واقع با هدف ایضاح مضمون و مفاد عقد انجام می گیرد، به معنای تحدید دامنه و گستره مقررات یک قرارداد است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۰۸). در روش تفسیر شخصی که یادگار حقوق روم است، استقلال طرفین و آزادی اراده آنها مورد توجه

<sup>۱</sup> در این قضیه دادگاه استناد خواهان مبنی بر عدم آگاهی و مطالعه دقیق، را مورد پذیرش قرار نداد و بیان داشت صرف چاپ ریز شروط مندرج در قرارداد، نمی تواند به عنوان مبنایی قرار گیرد که بر اساس آن شروط قراردادی را بی اثر نمود.

قرار می‌گیرد به نحوی که در صورتی که میان قصد طرفین و ابراز بیرونی آن تعارض به وجود آید، قصد طرفین لحاظ می‌گردد. بر اساس روش تفسیر نوعی، اولویت به بیان اراده خارجی مربوط می‌شود. روش اخیر توسط دکترین حقوقی مسیحیت تقویت شده است و تا قرن ۱۹ روش قالب تفسیر در قاره اروپا محسوب میش (Horton, 2003:94). در انگلیس اگرچه تعریف مشخصی از عمل تفسیر به عمل نیامده است با این وجود برخی حقوق دانان تفسیر قراردادها را شامل فهم و درک معنی کلمات از طریق توجه به قصد طرفین، عرف و عادت معنا نموده اند (Christensen, Butler, 2010:280).

تفسیر فرآیند کشف و تشخیص معنی یک قانون، وصیت نامه، قرارداد یا هر مدرک دیگر است به معنای ساده تر کشف و نمایش معنی صحیح هر نکته و علامتی که معرف مضامین ایده‌ها باشد، یک عمل تفسیری محسوب می‌گردد (Christian, 2009:533). Eric, 2009, ) کما اینکه فرهنگ حقوقی آکسفورد نیز در مقام تبیین تفسیر آن را فرآیند تعیین مفهوم واقعی سند نوشته که یک پروسه قضایی متکی به قواعد و فرضیه هاست، معرفی نموده است (Montin, 2002:261). در انگلیس در صورت وجود ابهام در شروط مندرج در قراردادهای استاندارد دادگاه شروط مزبور را علیه ارائه دهنده و به نفع طرف مقابل تفسیر می‌کند (شیروی، پیشین: ۲۰). قاعده کانترپرفیتنوما به معنای تفسیر علیه انشا کننده قرارداد معنا شده است. به موجب آن هنگامی که یک تعهد، قرارداد یا شرط مبهم باشد معنایی مرجع است که علیه امضا کننده آن کلمات باشد (American law Institute, 1981:296). استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاء کننده قرارداد، موجب ایجاد مسئولیت محض برای نویسنده قرارداد با شرط می‌باشد و در صورت وجود ابهام در قرارداد بدون نیاز به احراز هیچ نوع تقصیری از سوی انشا کننده، مورد ابهام، علیه وی تفسیر می‌گردد (Kenneths, 1996:537).

قاعده تفسیر علیه انشاء کننده، قاعده ای است که بر اساس آن، در صورت حدوث اختلاف یا وجود ابهام و خ قرارداد، علیه انشا کننده، قرارداد و ابهامات ناشی از شروط قراردادی علیه امضا کننده شرط تفسیر خواهد شد. در کامن لا با توجه به ضرورت کشف قصد مشترک طرفین تفسیر قرارداد گرایش به شیوه نوعی دارد اگر چه امکان استفاده از ادله بیرونی به منظور تفسیر قرارداد نیز غیر محتمل نیست.

از دیگر تدابیر تضمینی جهت مقابله با شروط غیر منصفانه، عدم اجرای آن توسط محاکم است. چنانچه برخی از شروط مندرج در قراردادهای استاندارد، گزاف و غیر منصفانه باشد، دادگاه‌ها با استناد نظریه غیر منصفانگی از اجرای شروط خودداری می‌نمایند و قوانینی که شرح آن گذشت از مبانی قانونی دخالت دادگاه به استناد شروط غیر منصفانه است و شامل تمام قراردادهایی است که در مواقع تجارت و کسب و کار با مصرف کنندگان منعقد می‌شود. به هر حال اصل بر عدم مداخله دادگاه‌های انگلیس و آمریکا در قراردادهای خصوصی است اما با توجه به نوع و ویژگی‌ها و ماهیت قراردادهای الحاقی، رویکرد مداخله ای مقنن و محاکم در این قالب قراردادها رو به فزونی است. در پایان این بحث در حقوق انگلیس شروط به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. چنانچه متعهد مرتکب تخلف از شروط فرعی شود، متعهدله صرفاً حق طرح دعوا برای جبران خسارت دارد و چنانچه شروط اصلی نقض گردد، امکان فسخ قرارداد به انضمام



اقامه دعوی جبران خسارت فراهم می شود شرط اساسی<sup>۱</sup> شرطی محدودتر و شدیدتر از شرط اصلی و قلب و جوهره قرارداد است و مبنای وجودی قرارداد وصول به شرط اساسی است (منافی، ۱۳۹۵: ۱۰). در ابتدا اندیشه حمایت از مصرف کننده یا طرف ضعیف قرارداد، به پیدایش نظریه نقض تعهد اساسی یا نقض اساسی به عنوان مانعی ماهوی بر اعتبار یا نفوذ شروط عدم مسئولیت منجر گردید. در کامن لا نقض تعهد اساسی یا نقض اساسی، یک قاعده ماهوی است و شروط غیر منصفانه و به ویژه شروط محدود کننده یا عدم مسئولیت یک امر شکلی و فرعی است و متوجه نقض تعهدات اساسی نمی شود مگر اینکه طرفین صراحتاً اعلام دارند شرط یک تعهد اساسی است و شامل کل قرارداد می شود (منافی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۶).

### ۳. ضمانت اجراهای درج شروط غیر منصفانه در ایران

در ادبیات حقوقی ایران تقسیم قراردادهای به الحاقی یا قرارداد با گفت و گوی آزاد چندان منشأ اثر نبوده و حقوق دانان نیز زیاد به این مسئله توجه ننموده اند. برخی از اسامی دیگری را برای این قراردادهای استفاده نموده اند مثلاً بعضی به دلیل آنکه شروط و مفاد قرارداد از سوی یکی از طرفین بر دیگری تحمیل می شود، آن را عقود تحمیلی نامیده اند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۹۰). وعده ای این قرارداد را به دلیل آنکه شخص در تصویب یا رد آن مختار است، اصطلاح عقود تصویبی را برای آن برگزیده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۵۴۶). موضوع یا متعلق قرارداد الحاقی از امور اولیه زندگی عادی مردم و یا دست کم از امور مهمی است که دارای فواید بزرگ حیاتی می باشد؛ یعنی قرارداد در خصوص کالاها و خدماتی منعقد می شود که از ضروریات روزمره انسان است مانند استفاده از آب و برق که قرارداد مربوط به حق اشتراک آن قرارداد الحاقی محسوب می گردد. پرواضح است تشخیص ضرورت یا عدم آن مسأله ای عرفی بوده و تابع زمان و مکان است (العدوی، ۱۹۹۴: ۵۱). از نقطه نظر ماهیتی دکترین حقوق خصوصی قرارداد الحاقی را بسان سایر قراردادهای، در زمره عقود محسوب نموده و وجود مشخصه هایی مانند ایجاب از پیش تهیه شده و فقدان قدرت چانه زنی را بعنوان مانعی در صدق عنوان عقد بر آن ندانسته<sup>۲</sup> و استدلال شده اگر چه قرارداد الحاقی پدیده اقتصادی نوظهوری به نظر می رسد با این وجود از نظر حقوقی آن را قالب و عنوان جدیدی به حساب نیاورده اند (السنهوری، ۱۳۸۲: ۲۸۵).<sup>۳</sup> قراردادهای اعتباری، قرارداد فروش اعتباری، قرارداد عرضه خدمات اعتباری و عقد الحاقی در فرض انحصار کالا برخی از مصادیق قراردادهای الحاقی به حساب می آید. قراردادهای اعتباری میان موسسات اعتباری و اشخاص به منظور مرتفع شدن نیازهای آنان منعقد می شوند.<sup>۴</sup> نوع دوم قرارداد فروش اعتباری که در آن پرداخت ثمن مؤجل است. چنانچه ثمن به صورت اقساط متوالی پرداخت شود، فروش

<sup>۱</sup> اگر نقض قرارداد بسیار شدید باشد یا مدیون عمده تعهد قراردادی خود را نقض کند، نقض اساسی صورت گرفته است و استناد به شرط عدم مسئولیت منتفی است چرا که در نقض اساسی قرارداد، امکان فسخ وجود دارد و در صورت انتخاب این گزینه برای طلبکار، تمامیت قرارداد منحل می شود. همچنین در صورت اقامه دعوی جبران خسارت متعاقب فسخ قرارداد، استناد مدیون به شرط عدم مسئولیت قابلیت پذیرش را ندارد چرا که دیگر چنین شرطی وجود ندارد تا بدان متوسل شد (شیروی، ۱۳۷۸: ۱۶).

<sup>۲</sup> در مقابل بسیاری از حقوق دانان حوزه حقوق عمومی با این استدلال که عقد توافق دو اراده آزاد و مختار است و لازمه آزادی اراده طرفین آن است که آنها در شرایط اقتصادی مساوی بوده و بتوانند با استقلال کامل درباره شرایط و مفاد قرارداد با هم صحبت نموده و به توافق برسند، لذا منکر عقد بودن قرارداد الحاقی شده اند (برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به کاتوزیان، پیشین، ص ۳۲).

<sup>۳</sup> اصطلاح «قرارداد الحاقی» ابتدا توسط سالی حقوق دان فرانسوی در کتاب «اعلام اراده» ابداع شد (السنهوری، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹).

<sup>۴</sup> تعادل اقتصادی میان موسسه اعتباری و اشخاص وجود ندارد. از آنجا که موسسه اعتباری از امتیاز ویژه من جمله انحصاری بودن برخوردار هستند، لزوم مداخله دولت به هر نحوی در انعقاد و آثار این قرارداد امری اجتناب ناپذیر است.

اقساطی نادیده می شود. اعطای اعتبار در این نوع قراردادها به دو شکل صورت می پذیرد نخست آنکه اعتبار توسط فروشنده تامین می گردد و دوم فرضی که اعتبار توسط موسسات اعتباری صورت می پذیرد (وحیدی ۱۳۸۵: ۵). مقصود از قراردادهای عرضه خدمات اعتباری تخصیص اعتبار لازم برای دریافت خدمات مورد نیاز اعتبار گیرنده می باشد. در حقوق داخلی این نوع قراردادها غالباً تحت عنوان قراردادهای جعاله تحقق می یابد. نوع دیگر عقد الحاقی در فرض انحصار کالا است. بی تردید در چنین قراردادهایی شروط گزاف ناعادلانه، یک طرفه و غیر منصفانه وجود دارد و قراردادی حرجی و همراه با ضرر، تکاثر و کنز خواهد بود که به یک جامعه دو قطبی که ثروت و منابع صرفاً در اختیار یک گروه انباشته خواهد شد، می انجامد.

با بررسی و ملاحظه متون قانونی در نظام حقوقی ایران، تدابیر و اقدامات مقنن ایرانی در زمینه مقابله با شروط غیر منصفانه در موادی کوتاه و مختصر در چند قانون خاص، خلاصه می شود. قانون تجارت الکترونیک مشتمل بر ۸۱ ماده و ۷ تبصره، مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی است که در برگزیده قواعدی در رابطه با مبادلات آسان و ایمنی اطلاعات در فضای اینترنت می باشد. این قانون در مواد مختلفی به حمایت از مصرف کنندگان بعنوان طرف ضعیف مفروض قرارداد اشاره نموده است. بر اساس ماده ۳۳ این قانون فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. با لحاظ مواد ۴۱۶ و ۴۱۷ و نیز م ۶۱۸ قانون مدنی این مسئله نمایان می شود مقنن ایرانی از یک سو با اثر پذیری و الهام از آموزه های نظریه شخصی بودن (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۰۷) به برابری و متعادل شدن عوضین به هنگام تفاوت فاحش نظر داشته و از سوی دیگر با استناد به قاعده اقدام، اسقاط حق خیار فسخ در صورت علم و اطلاع مغبون از قیمت عادلانه را مورد اشاره قرار داده است (ساردویی نسب، کاظم پور، پیشین: ۳۱-۳۰) همچنین مستنبط از رویه فقها نابرابری فاحش عوضین در خیار غبن، باید در زمان انعقاد قرارداد ارزیابی شود (انصاری، ۱۳۷۶ق: ۷۵). در نظام قراردادها و در سیستم اسلامی علیرغم پذیرش اصل حاکمیت اراده، اگر توافقات به صورت نا آگاهانه فردی را در معرض ضرر قرار دهد و منجر به نتایج غیر منصفانه گردد، از پشتوانه و نفوذ حقوقی برخوردار نیست (راعی، مولاییان، پیشین: ۱۷). در حقوق اسلام، اگر چه بر اساس اصل آزادی قراردادی طرفین می تواند هر شرطی را که مطلوبشان باشد در قرارداد درج کنند (الهیان، ۱۳۹۲: ۱۰) اما این آزادی با محدودیت هایی در راستای عدالت معاوضی مواجه است. در زمینه امکان تفسیر قرارداد الحاقی ماده ۱۷ آیین نامه شماره ۸۱ شورای عالی بیمه رویکردی مشابه قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در نظام کامن لا را پذیرفته است. ماده مذکور مقرر می دارد "مسئولیت درج صحیح اطلاعات در بیمه نامه بر عهده بیمه گر است و موارد اجمال، ابهام یا اختلاف در مندرجات بیمه نامه یا سایر مستندات به نفع بیمه گذار یا ذینفع تفسیر می شود."

## نتیجه گیری

آزادی قراردادی برون داد اصل حاکمیت اراده با مقبولیت و احترام جهانی غیرقابل انکارش است. ارائه و درج شروط غیر منصفانه از سوی طرف قوی قرار داد که در عرضه کالا یا خدمات از انحصارگرایی برخوردارند، در قالب قراردادهای الحاقی امری غیر متداول نیست. بر اساس یافته های این تحقیق قرارداد الحاقی قراردادی نمونه است که طرف برخوردار از وضعیت انحصاری، آن را تنظیم و مفادش را تحمیل و طرف دیگر بدون امکان واقعی تغییر بدان رضایت داده است. انحصار و قدرت یک طرف، نیاز و اضطرار شخصی طرف ضعیف و فقدان قدرت چانه زنی وی از دلایل الحاق به این نوع قراردادهاست. نابرابری طرفین، مانع بهره برداری کامل طرف ضعیف از منافع ناشی از قرارداد می شود که این امر علاوه بر انتقال ثروت و سود از سوی شریک قراردادی به شریک فرصت طلب، تعادل منافع در قراردادها را مختل کرده و قرارداد را به ابزاری صرف برای بهره برداری تبدیل می کند. در پی تحولات قرون اخیر و سوء استفاده های به عمل آمده و ضرورت حمایت از طرف ضعیف، گستره و دامنه اصل آزادی قراردادی و امکان درج شروط غیر منصفانه در قراردادهای الحاقی در پناه نظم عمومی، انصاف، اخلاق و قانون با محدودیت هایی مواجه شد. پرچمدار مقابله با شروط غیر منصفانه را باید در قواعد عرفی و رویه محاکم کامن لا و انگلیس جستجو نمود که مساعی محاکم منجر به تصویب قوانین حمایتی متعددی شد. اعلام عدم اعتبار شروط غیر منصفانه، حذف و تعدیل شروط و در مواردی ابطال قرارداد از ضمانت اجراهای مندرج در حقوق انگلیس در مواجهه با شروط غیر منصفانه است. نتایج این پژوهش مبین این موضوع است که در حقوق ایران علی

رغم برخورداری از پیشینه تئوریک، قوانین و مقررات عام و کلی برای مبارزه با شروط تحمیلی وجود ندارد و تنها در زمینه های خاص مانند قانون دریایی مصوب ۱۳۶۳، قانون تجارت الکترونیک و قانون حمایت از مصرف کننده احکامی در خصوص شروط تحمیلی آمده است. در نظام مورد بحث ابهامات بسیاری در خصوص اعمال نظریه غیر منصفانه بودن قرارداد و آثار آن وجود دارد. از یک سو پذیرش اعطای اختیار گسترده به محاکم قابل قبول نیست و از سوی دیگر مانند حقوق کشورهای اروپایی نظام جامعی در این خصوص وجود ندارد و وجود راهکارها و تدابیری نظیر خیار غبن یا مخالفت با نظم عمومی، غیر مکفی و فاقد مشمولیت و جزئی است. مضافاً قاعده تفسیر علیه امضا کننده قرارداد در حقوق ایران بسان حقوق انگلیس، به صورت یک قاعده در نیامده و لازم است لااقل به صورت خاص در مورد شروط غیر منصفانه قراردادهای الحاقی مورد شناسایی قرار گیرد. به نظر می رسد مبنای مندرج در ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران که امکان ابطال قرارداد یا تعدیل و تغییر آن به استناد غیر عادلانه بودن کمک به دیگری در شرایط اضطراری یا سوء استفاده از اضطرار دیگری، قابل تسری در شرایط تحمیلی در قراردادهای مصرف باشد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ارسطو (۱۳۶۲). اخلاق نیکو، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی
۳. اصغری، سید محمد (۱۳۸۹). عدالت و عقلانیت، چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات
۴. الهیان، مجتبی، الهیان، محمد ابراهیم (۱۳۹۲). "شروط غیر منصفانه در قراردادهای بیمه و آثار آن از منظر
۵. فقه و حقوق ایران"، مجله پژوهش های فقهی، دوره ۹، شماره ۱۶: ۱-۵
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۶ق). فرائد الاصول؛ الرسائل، قم: مصطفوی
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، چاپ اول، تهران: گنج دان
۸. تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران: گنج دانش (۱۳۹۲).....
۹. ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و سوم، تهران: گنج دانش (۱۳۹۴).....
۱۰. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران: گنج دانش (۱۳۹۴).....
۱۱. شمال، نگار و صفایی، سید حسین (۱۳۹۶). مقابله با غیر منصفانگی شروط قراردادی از منظر محدودیت های وارده بر آزادی اراده در فقه و حقوق موضوعه، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳.
۱۲. داکسبری، رابرت (۱۳۷۷). مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان، مترجم دکتر حسن میر محمد صادقی، تهران: نشر حقوق دان.
۱۳. راعی، مسعود، محمد مولاییان (۱۳۹۳). "رویکرد فقه امامیه به عدالت معاوضی و تأثیر آن بر عقود الحاقی"،
۱۴. حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۰: ۸-۲۴
۱۵. ساردویی نسب، محمد، کاظم پور، سید جعفر (۱۳۹۰). "مؤلفه های غیر منصفانه بودن قرارداد"، مجله
۱۶. حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵: ۱۹-۱
۱۷. السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۸۲). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ اول، مترجم محمد حسین دانش کیا و سید مهدی دادمزنی، قم: انتشارات دانشگاه قم
۱۸. شمالی، نگار، صفایی، سید حسین (۱۳۹۱). با غیر منصفانگی شروط قراردادی از منظر محدودیتهای وارده بر آزادی اراده در فقه و حقوق، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳: ۱۱-۳۱
۱۹. شهیدی، مهدی (۱۳۸۸). تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: نشرات مجمع علمی و فرهنگی مجد
۲۰. شیروی، عبدالحسین (۱۳۷۸). نقش قراردادهای استاندارد در تجارت بین الملل و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی"، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره ۲: ۴۳-۱۹
۲۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۱). "قراردادهای استاندارد در حقوق کامن لو با تاکید بر حقوق انگلستان و آمریکا،
۲۲. صالحی راد، محمد (۱۳۸۷). گستره و آثار تعهدات قراردادی، چاپ اول، تهران: مجد
۲۳. صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). قواعد عمومی قراردادها، تهران: نشر میزان
۲۴. الصده، عبدالمنعم فرج (۱۹۴۶). عقود الاذعان فی القانون المصری، جامعه فؤاد الأول
۲۵. العدوی، جلال علی (۱۹۹۶). مصادر الالتزام، چاپ اول، النشر دار الجامعیة
۲۶. عراقی، عزت الله (۱۳۸۷). حقوق کار، چاپ ششم، تهران: سمت
۲۷. علوی قزوینی، سیدعلی، وکیلی مقدم، محمد حسین (۱۳۸۹). بازنگری در مفاد قرارداد، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره ۱: ۱۶-۳.

۲۸. فلاحتی شهاب الدینی، علی (۱۳۸۹). "عرف در قلمرو حقوق قراردادها، مجله پژوهشهای مدیریت راهبردی"، شماره ۳۴: ۱۷-۴.
۳۰. قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۹). اصول قراردادها و تعهدات، چاپ پنجم، تهران: نشر دادگستر
۳۱. فنوتی، جلیل (۱۳۸۵). "اصل آزادی قراردادها و شروط غیر عادلانه"، مجله مطالعات اسلامی (فقه و اصول)، شماره پیاپی ۸۵/۱: ۳۲-۲۰
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). فلسفه حقوق، منابع حقوق، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
۳۳. دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، تهران: میزان
۳۴. قواعد عمومی قراردادها، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار
۳۵. قواعد عمومی قراردادها، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار
۳۶. کرمی، سکینه (۱۳۹۴). نظم عمومی؛ ابزاری برای کنترل قضایی شروط ناعادلانه، سال ۷۹، شماره ۹۱: ۵۷-۳۱.
۳۷. کریمی، عباس (۱۳۸۱). شروط تحمیلی از دیدگاه قواعد عمومی قراردادها، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱: ۲۵-۸
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، تهران: صدرا
۴۰. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین؛ یک جلدی، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ نما
۴۱. منافی، شهرام (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی نظریه غیر منصفانه بودن قراردادها، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق
۴۲. خصوصی عدالت، سال ۳، شماره ۵، ۴۱-۲۳
۴۳. وایت کر، سیمون (۱۳۸۵). اصول قراردادها در حقوق فرانسه، چاپ اول، مترجم حسن ره پیک، تهران: خرسندی
۴۴. وحیدی، امیر حسین (۱۳۸۵). تعدیل وجه التزام در قراردادهای الحاقی، ماهنامه کانون، شماره ۶۱، ۱۱-۱
۴۵. هابز، ریچارد تاک (۱۳۷۹). قراردادهای الحاقی، چاپ اول، ترجمه حسین بشیریه، تهران: انتشارات طرح نو
۴۶. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۵). تعدیل تعهدات قراردادی بر پایه اصول و قواعد حاکم بر فقه اسلامی، مقالات و بررسی ها، شماره ۸۲، ۱۸-۳.
47. American Law Institute(1981). "The Scope of Contractual Obligations, Restatement (Second) of Contracts 2. St. Paul, Minnesota: American Law Institute Publishers.
48. Atiyah, P.S(1988). The Rise and Fall of Freedom of contract; Clarendon press, oxford
49. Beatson.J, 2010, Anson's Law of Contract, 29th Coalition, Oxford University Press, Cambridge.
50. Christian von Bar &Eric civle(2009). model Rules of Eropcan Private law, voll, first ed , munich, sellier
51. Gordley, James(2006). An introduction to the Comparative Study of Private Law, Readings, Cases, Materials , Arthur Taylor Von Mehren, Cambridge University Press
52. Horton, D, 2003, Flipping the Script: Contra Proferentem and Standard Form Contracts, University of Colorado L, REV, 80.
53. Marsh, Peter(1996). Comparative Contract Law, England, France, Germmany; Gower
54. Rudolph, Kai, 2006, Bargaining Power Effects in Financial Contracting, A Joint Analysis of Contract Type and Placement Mode Choices, Spring 2006.
55. Teeven, Kevin M(1990). A History of the Anglo American Common Law of Contract, 1st edition, Green Wood Publishing Group.

56. Willmott-lindy/ Christensen -sharon / Butler - Dr. Des(1996). Contract Law 2edit, London, Oxford University press.
57. Wolcher, Louis E(1992). "The Privilege of Idleness: A Case Study of Capitalism and the Common Law in Nineteenth Century America", The American Journal of Legal History, Vol. 36, No. 3:356-379.

## **Guarantees of Unfair Conditions in Additional Contracts; Studying the Legal System of England and Iran**

**Ali-akbar Garosi, Mohammad-Reza Pirhadi (Coressponding Author)**

**Abstract:** The Supplementary Contract is a printed and proprietary contract necessary for either party to rely on the sole authority deriving from the law or due to its bargaining power, with the aim of generating more rights and privileges and disclaiming it. And the other party is forced to accept this predetermined order without the right to change or modify its provisions. Unfair contract is a situation where the strong side of the contract misuses its position and imposes one-sided and unbalanced conditions on the other. Although in principle the conclusion of an extension contract is based on the principle of sovereign will and indisputable approach, namely "contractual freedom", but today in the legal system of Iran and the United Kingdom, like most legal systems in the world, it has lost its former footholds. The provision and the imposition of unfair terms on accession contracts is subject to restrictions. The present study, by means of a descriptive-analytical method, comparatively examines the guarantees to deal with unfair terms in accession contracts in Iran and the United Kingdom. Outcome research supports strategies such as declaring invalidity and non-acceptance, removing, modifying terms and in some cases invalidating the contract as guarantees to counter the unfairness of the supplementary contract in the two legal systems.

**Keywords:** Additional Contracts, Unfair Conditions, Iranian Law, British Law, Performance Guarantee.